

گفت و گو با استاد عابدی شاهروردی

پژوهشهای قرآنی: جناب استاد عابدی از این که فرصتی را در اختیار ما قرار دادید سپاسگزاریم. به نظر شما چه موضوعات بایسته ای وجود دارد که در قلمرو مباحث قرآنی، نیازمند تحقیق و مطالعه بیش تر است؟

استاد عابدی: یافتن موضوعاتی که درباره آنها اصلاً کاری نشده باشد و شایسته پژوهش باشد، کاری ارزشمند است، اما باید توجه داشت که در قلمرو قرآن و معارف وحی، حتی موضوعات کار شده هم نیاز به بازنگری و تحقیق مداوم دارد. چون قرآن، کتاب تدوینی است همانند جهان که کتاب تکوینی است. اگر آفاق طبیعت و شگفتیهای نظام جهان، با کنکاشها و تجربه ها و مطالعات هزاران ساله انسان، از اسرار تهی نشده است، کتاب تدوین الهی هم می تواند از چنین ویژگی برخوردار باشد.

کتاب تکوین پایان ندارد، یعنی علم ما به آن پایان پذیر نیست، و قرآن هم چون کتاب ختمی و پایانی است، خود باید دارای وسعت و ژرفا و غنایی مستمر باشد. قرآن کتابی است که برای یک سرزمین خاص، قرن خاص یا طایفه ای نازل نشده است. کتابی است برای بشریت و برای همه آنان که بار تکلیف بر دوش دارند و از عقل و خرد بهره ورنند، برای همه عصرهای پیش روی و برای همه سرزمینها و ملتها، چه این که خاتم همه کتابهای آسمانی و جامع آنها است.

خداوند به اراده تکوینی خود نظام احسن وجودی را در عالم ایجاد کرده و به اراده تشریحی، کتاب تدوینی جامعی به نام قرآن، نازل کرده است. این است که هر اندازه بکاویم، نکته می یابیم و نکته ها جدید خواهند بود. علوم و معطیات این کتاب، کیفاً و کماً غیرمتناهی هستند.

تحقیقاتی که ما انجام می دهیم از موضع و منظر افکار بشری است، ما به عنوان انسان محدود و جائز الخطا در کتابی که جائز الخطا نیست، به تحقیق می پردازیم. (لایأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه) (وبالحق أنزلناه وبالحق نزل) این گونه تحقیق، نیاز به استمرار دارد و نباید در یک یا چند مرحله توقف یابد.

این کتاب حق و خدشه ناپذیر بر قلب پیامبر نازل شده، چون ظرف معصوم است، همچنین کسانی که مستودع کتاب و مستحفظین آن هستند؛ یعنی اهل بیت(ع)، معصوم هستند. پیامبر و اوصیاء مفسران حقیقی کتاب هستند، ولی ما هر مقدار در فهم کلام الهی تلاش کنیم، متناسب با وضعیت علمی، عقلی و نفسانی ماست، وضعیت فرد و کل هم در این جهت یکسان است، یعنی یک کلی که مشتمل بر افراد است. هرگاه افراد در علم قاصر باشند، جائز الخطا و نسبی باشند، کل هم بر اینندش با یک نفر از نظر ریاضی و منطقی مساوی است. بنابراین اگر کل بشریت در تفسیر تلاش می کردند و این تلاش ادامه داشت، باز تحقیق آنان متناسب با وضعیتی بود که در آن قرار داشتند.

پژوهشهای قرآنی: به نظر شما معلومات و معارف بشری تا چه اندازه و در چه مرحله از فهم قرآن می تواند تأثیر گذار باشد و آیا این تأثیرگذاری مثبت است یا منفی؟

استاد عابدی: در زمینه فهم و تفسیر قرآن، دومرحله داریم:

۱. مرحله اکتشاف معانی قرآن براساس متن آیات و داده های خود قرآن. چنانکه اکتشافهای انسان درنظام تکوین، متکی به ابزار، راهها و امکاناتی است که خود طبیعت دراختیار وی می گذارد، این مرحله ازکشف مرادات آیه هم متکی به محتوا ومضمون خود قرآن است. واین تلاش، تلاشی بشری است.

۲. مرحله اکتشاف مراد واقعی خداوند از آیات. دراین مرحله باید از تبیینات پیامبر و اوصیا بهره برد و در واقع تفسیر واقعی قرآن، درخلال نصوص صحیحی است که ازاین مسیر به ما رسیده است. هرچند ما در استفاده ازاین نصوص، باز باید نکته های چندی را ملاحظه کنیم، از جمله فهمیدن نص و تشخیص محکم و متشابه، مجمل و مبین، عام و خاص ومطلق و مقید آنها. البته درکلام پیامبر ناسخ و منسوخ هست، مانند قرآن، ولی درکلام اوصیا، ناسخ و منسوخ نیست، زیرا ناسخ مخصوص شارع است.

درمرحله اکتشاف معانی آیات، فقط آن ابزار عمومی که قرآن براساس آن زمینه ها بشر را مورد خطاب قرار داده است، به کار می آید؛ مثلاً قرآن چون به لغت عربی است، تمام قواعد ادب عربی و اشتقاقهای آن، رموز فصاحت و بلاغت، درشمار ابزار کشف قرار دارند. عقل و علم و تئوری های دیگر، اگر در استفاده ما ازاین لغت و عنصر عام، اختلال به وجود نیآورند واین نظام لغوی و دلالی را مختل نکنند، استفاده ازآنها بی مانع است. ولی اگر استفاده ازامور علمی و عقلی - که درجای خود درست هم هستند - منجر به اختلال درمرحله اکتشاف بشوند، به گونه ای که ناگزیر شویم برای مطابقت قرآن با آن فرضیات و تئوریهها، قواعد عمومی زبان را دست کاری کنیم، دراین صورت نباید ازآن امور علمی و عقلی بهره بگیریم، زیرا خود این ایجاد اختلال، گواه آن است که یا اصل فرضیه و تئوری درست نیست و یا کاربرد آن دراین زمینه خاص صحیح نمی باشد.

درعلوم نیز این گونه است. اگر ما در علمی مانند فیزیک و شیمی ازیک قاعده ریاضی استفاده کنیم واین باعث اختلال درنظام آن علم شود، خود این اختلال یک هشدار است که یا اصل آن تئوری اشکال دارد، یا کاربرد آن دراین زمینه درست نیست.

تئوریههای علمی یک زمینه اساسی دارند که درآن زمینه متولد می شوند، تصحیح یا تکمیل می شوند وگاهی نیز ردّ و ابطال می شوند! اگر ما ازاین تئوریهها در زمینه های دیگری استفاده کنیم وموجب اختلال درآن زمینه ها شود، این اختلال، علامت نادرستی استفاده ازآن تئوریههاست.

پژوهشهای قرآنی: به هرحال، آیا نکته ای را در ذهن دارید که کم تر روی آن کار شده باشد که بتوان آن را درمنظر پژوهشگران مباحث قرآنی طرح کرد ومیدان تحقیق جدیدی را فرا روی آنها گشود؟

استاد عابدی: موضوعی که به نظر من نیازمند اطلاعات جدی تر می باشد، این است که نزول قرآن با ساختار ویژه آن به صورت نجومی وآیاتی و در سطح کلی تر به صورت سوره ها، ساختاری است

ویژه قرآن، و از روایات این گونه استفاده می شود که کتب آسمانی پیشین از چنین شکل بیانی برخوردار نبوده اند. این ساختار اختصاصی، نشأت گرفته از رسالت ویژه آن است، چرا که قرآن کتاب تدوینی جامع و ختمی است، بر وفق نظام حکمی تکوینی ترتیب یافته است. این گونه نیست که قرآن اولی داشته باشد و آخری، به این صورت که آغاز آن، برآستی آغاز باشد و مطالب آن مانند کتابهای معمولی، سیری زنجیره ای داشته باشند و آیه بعد متکی به آیه قبل باشد، بلی فهم آیات به صورت سیستمی تکیه بر یکدیگر دارند، اما اتکای فهم یک آیه بر آیات قبلی برابر است با اتکای آن بر آیات بعد و به همان اندازه است.

اولین آیاتی که بر پیامبر نازل گشت، معلوم است و آخرین آن هم مشخص، ولی قرآن به آن صورت هم تنظیم نیافت. هرآیه ای از قرآن می تواند اول باشد و می تواند آخر قرآن باشد، هرآیه خود یک کتاب است. از این روست که خداوند در مقام تحدی گاه فرموده است (قل فأتوا بکتاب من عن د اللّٰه) و سپس در آیه ای دیگر می فرماید: (قل فاتوا بعشر سور من مثله) و در بیان سوم می فرماید: (قل فأتوا بسورة مثله).

موضوع دیگر، موضوعی است که می تواند یکی از وجوه اعجاز قرآن به شمار آید و آن عبارت است از ایجاز گویی هایی که در نتیجه ایجاز و مسکوت گذاردن یک امر، توجه بیش تری به موضوع جلب شده است؛ مثلاً وقتی خداوند می گوید: (واضرب لهم مثلاً أصحاب القرية إذ جاءها المرسلون. إذ أرسلنا إليهم اثنتين فكذبوهما فعزّزنا بثالث فقالوا إنّنا إليکم لمرسلون)

در این آیه نکات چندی ناگفته مانده است، مانند این که (وقتی ما رسولان را فرستادیم و آنها به وظیفه عمل کردند و تبلیغ را به شایسته ترین صورت انجام دادند) (چه این که فرستادگان الهی در انجام مأموریت کم ترین کوتاهی ندارند) (زیرا انتخاب رسولان برای رسالت، متکی به علم و حکمت خداست و این علم و حکمت، مستلزم گزینش شایستگان و امینان و معصومان است)

این نکته های ناگفته، به گونه ای در ساختار کلام نهفته مانده که حتی اگر اظهار می شد، بدین اندازه جلب نظر نمی کرد. گویی خداوند این مطالب را چنان واضح برای انسان دانسته که تصریح به آنها را ضروری نشمرده است، بلکه اگر تصریح می کرد، مایه تطویل می شد و هدف نهایی سخن در لابه لای مطالب بسیاری پنهان می گشت.

آنچه گذشت، یعنی راز ایجاز در بسیاری از مطالب قرآن، یکی از ابعاد اعجاز قرآن است که زمینه پژوهش و بررسی بیش تر در آن هست.